

حفریات مارلیک

بنام خداوند جان و خرد
کزین برتر اندیشه برنگذرد
نزدیک به یکسال است که تپه‌های باستانی دره گوهررود مورد تحقیقات و بررسیهای باستانی قرار گرفته است. حفریات مارلیک و آثار بدست آمده از دل خاک از جهات مختلف برای ممالک متمدن جهان و بخصوص برای ما ایرانیان ارزش بسیار دارد چه اشیاء مکشوفه مربوط بدوران تاریکی از تاریخ ایران و خاورمیانه یعنی اواخر هزاره دوم قبل از میلاد تا اواخر هزاره اول قبل از میلاد است. در این هنگام ایران باستان مورد هجوم اقوام مختلف قرار گرفته و آرامش خود را از دست داده بود. اقوام دریا بساحل شرقی و شمال شرقی دریای مدیترانه هجوم آورده باعث انقراض امپراطوری هیئت‌ها شده بودند از طرف دیگر هجوم اقوام دیگری از شمال و شمال شرقی و تصادم آنها با ساکنین مختلف خاورمیانه، همچنین برخورد قدرتهای مختلف موجود در خاورمیانه وضع مغشوش و غیر آرامی بوجود آورده بود. از این دوران پرکشاکش آثار و مدارك محدودی بجای مانده و دانشمندان باستان شناسی هنوز نتوانسته‌اند تاریخ و هنر هر يك از این اقوام را روشن نمایند خوشبختانه حفریات اخیر رودبار میتواند تا اندازه‌ای به روشن نمودن تاریخ اقوام مسکون در این ناحیه کمک نموده و ما را با ساکنین باستانی این منطقه آشنا تر سازد.

دیگر اینکه آثار مکشوفه معرف تمدنی است که از نظر پیشرفت و تکامل هنری بسیار برجسته است و هنرمندان این تمدن با ساخته‌های هنری خود مکتب تازه و دوران ارزنده‌ای به بشر عرضه نموده‌اند که سالیان دراز حتی خاطره آن از خطاطره‌ها محو نشده و اینکه با کشفیات اخیر مقام والا و بلند مرتبه هنرمندان این تمدن به ثبوت رسیده و نقش مهم آنان در پیشرفت هنر جهانی آشکار گشته است. نکته مهم دیگر اینست که

با کشف این آثار نفیس و گرانبهای تاریخی و هنری صفحه دیگری بر افتخارات باستانی این مرز و بوم از نظر هنر و تمدن افزوده شده که بخصوص ارزش تمدن باستانی ایران و سهم عظیم آنرا در پیشرفت تمدن بشریت آشکار میسازد.

قبل از شروع بشرح حفریات لازم میدانم کلمه‌های چند در باره چگونگی آثار باستانی کیلان بیان کنم تا با کیفیت کشف این تپه آشنائی بیشتری حاصل شود. در چند سال گذشته اطلاعات زیادی در باره حفریات غیر قانونی کیلان و آثار مکشوقه در آن حوالی بدست آمده بود.

این اخبار کم و بیش به اداره باستانشناسی نیز رسیده بود و چند هیئت هم در سالهای پیش برای حفریات بدان منطقه اعزام گردیده و پس از مدتی حفاری بازگشت نموده بودند.

جلوگیری از حفریات غیر قانونی بعلمت نبودن راه و صعب‌العبور بودن این منطقه و وجود جنگلهای انبوه در مناطق کوهستانی غیر ممکن بنظر میرسید.

اداره باستانشناسی قبل از ۱۳۳۹ نیز پروانه حفاری تجارتي برای حفاری در نقاط مختلف این منطقه صادر نموده و متأسفانه بیشتر این حفریات یا متمرثمر نبوده و یا در صورت موفقیت به اداره باستانشناسی اطلاع داده نشده بود و بسالنتیجه حق‌السهم دولت از بین رفته بود. ضمناً در اثر حفریات غیر علمی وضعیت تپه‌های باستانی بکلی نابسامان شده و مدارك ارزنده تاریخی که چه بسا ممکن بود در اثر حفریات صحیح از دل این تپه‌ها بدست آید در محلهای حفاری شده بکلی معدوم گردیده بود. از سال ۱۳۳۹ بر اثر مساعی سازمان شاهنشاهی و بخصوص بر اثر اقدامات آقای دکتر خسرو بهرون يك رشته عملیات اصلاحی در اداره باستان شناسی انجام شده و ضمناً کلیه پروانه های تجارتي لغو و از صدور پروانه جدید نیز جلوگیری گردید.

در اوائل سال ۱۳۴۰ حفریات غیر قانونی بخصوص در ارتفاعات کیلان زیاد شده بود و اندوخته‌ها و نفائس باستانی که هر يك سندی ارزنده و مدرکی گرانبهای افتخارات ملی این مرز و بوم شمرده میشد بوسیله عده‌ای دلال شیاد عتیقه بیغما برده میشد. در ضمن حفریات غیر قانونی آثار دیگری که از نظر تجارتي بی اهمیت ولی از نظر تاریخی بسیار مهم بود از میان میرفت.

در این هنگام برای نجات آثار تاریخی و باستانی کشور بنا بپیشنهاد اینجانب و تصویب شورای عالی باستان شناسی مقرر گردید برای آشنائی بکلیه آثار باستانی موجود در ایران و ثبت آنها در فهرست آثار و ابنیه تاریخی و ملی نقشه باستانی کلیه کشور

تهیه گردد تا بتوان بترتیب صحیح و علمی و برنامه کار منظم به مقتضای فصول سال کلیه کشور را از نظر باستانی بررسی کرد و سپس در مناطق بررسی شده بنا بر اهمیت آثار حفريات علمی انجام گردد و پس از بررسی اولیه نسبت بتعمیرات ضروری آنها اقدام شود.

بمنظور انجام دادن قسمتی از این برنامه و تهیه نقشه باستانی کشور به پیشنهاد استاد دانشمند آقای دکتر عیسی بهنام در تابستان سال ۱۳۴۰ هیئتی بسرپرستی استاد محترم آقای دکتر محسن مقدم برای بررسی بنواحی املش و ارتفاعات و بیلاقهای گیلان فرستاده شد. این هیئت اطلاعات و مدارك تاریخی گرانبها و ذیقیمتی در مورد اقوام مسکون در این منطقه در هزاره اول و دوم قبل از میلاد و دورانهای تاریخی بدست آورد و امید است بامساعی ایشان هر چه زودتر این اطلاعات تاریخی گرانبها منتشر و در دسترس عموم قرار گیرد.

در اواسط پائیز سال ۱۴۴۰ بمنظور تهیه قسمت دیگری از نقشه باستانی کشور هیئت دیگری بسرپرستی اینجانب مأمور تهیه نقشه باستانی و بررسی منطقه رحمت آباد رودبار گردید. در ضمن این بررسی تپه‌های باستانی زیادی در منطقه رحمت آباد رودبار مورد تحقیق و مطالعه قرار گرفت. از سطح تپه‌ها تکه‌های سفال که بهترین معرف تمدنهای باستانی است جمع آوری گردید و بقدمت بیشتر تپه‌ها که از نظر آثار باستانی سطحی غنی بودند پی برده شد. در بعضی تپه‌ها که آثار باستانی سطحی ناچیز بود و هویت تپه را معلوم نمیداشت گمانه آزمایشی احداث گردید هیئت پس از مدتی بررسی در منطقه رحمت آباد وارد دره گوهر رود گردید و مشغول کار شد.

در یکی از تپه‌های باستانی این دره که دارای منظر طبیعی بود و از نظر آثار باستانی سطحی و تکه سفالهای بسیار محدود و فقیر بمنظر میر رسید و قبلا نیز چند گودال بوسیله حفاران غیر مجاز کنده شده بود يك گمانه آزمایشی بطول سه متر و عرض دو متر حفاری گردید. در مدت حفر گمانه آزمایش آثار گرانبهای کم نظیری از دل خاک بیرون آمد. علی‌رغم منظر طبیعی کشف این آثار دال بر اهمیت باستانی این تپه و معرف آثار گرانبهای هنری و مدارك ارزنده تاریخی بود و در دل این تپه احتمال کشف بقایای تمدن عظیم و درخشانی را فوید میداد.

در اینجا لازم است برای آشنائی بیشتر بوضع طبیعی و جغرافیائی محل چند کلمه‌ای در این باره متذکر شوم :

«چراغعلی تپه منطقه رحمت آباد رودبار»

در چهارده کیلومتری مشرق شهرستان رودبار در راه تهران برشت قهوه‌خانه

کوچکی بنام کتله در نزدیکی سفید رود قرار گرفته است. در طرف مقابل این قهوه‌خانه یعنی کرانه جنوبی سفید رود دهکده کوچکی بنام لان در مصب گوهر رود واقع شده برای دهکده‌هایی که در دره زیبای گوهر رود قرار گرفته‌اند همچون بندر کوچکی مورد استفاده قرار می‌گیرد گوهر رود یکی از شعبه‌های کوچک سفیدرود است و از سرچشمه آن تا محلی که وارد سفیدرود می‌گردد در حدود ۱۵ کیلومتر فاصله دارد این رودخانه از ارتفاعات البرز در منطقه ایکه گوهستان کاملاً از درختهای جنگلی پوشیده شده است سرچشمه می‌گیرد. در دو طرف این رودخانه دره سرسبز و خرمی قرار گرفته که از نظر زیباییهای طبیعی و مناظر دلانگیز بدون شك یکی از بهترین دره‌های ایران می‌باشد این دره بعلت حاصلخیز بودن خاک، ملایمت آب و هوا، رطوبت و بارندگی کافی از نقاط حاصلخیز منطقه رحمت آباد رودبار می‌باشد. بزرگترین دهکده واقع در این دره دهکده نصفی است که در حدود دو یست خانوار جمعیت دارد.

این منطقه بعلت ارتفاع کم یعنی در حدود پانصد متر از سطح دریا آب و هوایی مناسب دارد و غلات و نباتات مناطق معتدل مانند زیتون، برنج، گندم، جو و درختان میوه وحشی و جنگلی در این دره بعمل می‌آید. مزارع برنج و گندم و باغهای زیتون بیشتر زمین‌های این دره را فرا گرفته و در ارتفاعات بیشتر این دره درختهای زربین (یکنوع سرو مخصوص این منطقه) انجیر و انار وحشی بوفور دیده میشود. درختان میوه مناطق معتدل در باغهای این دره کاشته شده و بعلت رطوبت و شبنم کافی سطح دره از گل و گیاههای وحشی پوشیده است. در دو طرف این رودخانه نیز راهائی وجود دارد و برزیائی دره افزوده است و قله پر برف و رفیع دالک که در جهت شرقی آن قرار گرفته است رو به طرفه یکی از مناظر و چشم اندازهای بدیع و زیبای طبیعت را در این نقطه از کشور ما بوجود آورده است.

در اثر این مزایای طبیعی یعنی زیبایی طبیعت، اعتدال هوا و حاصلخیزی زمین در دوران‌های باستانی این دره مورد نظر و علاقه اقوامی بوده است که بر این نسمت از ایران مسلط بوده‌اند و طبقات ممتاز و حکمرانان آنها شاید در این دره زندگی مینموده‌اند. بهمین مناسبت در دره گوهر رود تپه‌های بزرگ و کوچک باستانی قرار گرفته است که مهمترین آنها پنج تپه مارلیک (جراغلی تپه)، زینب بیجار، دور بیجار، پیلای قلعه و جازم کول می‌باشد که بقایای يك تمدن باستانی فراموش شده‌ای را در دل خود مدفون نموده‌اند. آثار و علائم موجود در این پنج تپه بستگی آنها را بیکدیگر و روابط نزدیک آنها را در هنگامیکه هنوز آباد و مورد استفاده و سکونت این اقوام باستانی بوده‌اند

یکی از این پنج تپه یعنی مارلیک در محلی بنام چراغعلی تپه (چراغعلی مالک تپه معروف میباشد) فعلاً در دست حفاری است و تا کنون اشیاء کم نظیری که از نظر زیبایی و هنری و باستان شناسی بینهایت جالب است و همچنین اطلاعات و مدارک زیادی از تمدنهای باستانی کشور ما که بهرور ایام از خاطره ها محو گردیده در دسترس ما گذارده است. باغها و مزارع این دره عموماً تپه های طبیعی دامنه کوهستان را فرا گرفته اند تپه های باستانی را نیز در بر گرفته و چون سطح آنها از گیاهان و بوته های وحشی پوشیده شده است در نظر اول بصورت تپه های طبیعی جلوه مینمایند. شاید بهمین علت نیز در گذشته آثار مدفون در دل این تپه از نظر حفاران غیر قانونی و دزدان عتیقه و آثار ملی مصون مانده و منظره طبیعی آنها کمک بزرگی بنگهداری و حفاظت این آثار در طول قرون متمادی نموده است.

سرقت و دزدی آثار نفیس آرامگاهها و حفاریات غیر قانونی ابنیه تاریخی و تپه های باستانی فقط منحصر بیکدی دو قرن گذشته نمیباشد بلکه از دورانهای قدیم این دزدی وجود داشته و بیشتر آثار اقوام باستانی بوسیله اقوامی که بعد از آنها بحکومت رسیده اند و یا دزدان بیغما برده شده است. این مطلب جسته و گریخته در مدارک تاریخی باقی مانده و از اواخر هزاره دوم قبل از میلاد بخصوص در مصر تذکر داده شده است. بدیهی است برای بشر دست یابی به اشیاء نفیس و گرانبها امری عادی است و چنانچه آثار و شواهدی از آنها مشهود میگردد مسلماً مورد دستبرد و بیغما قرار میگرفت ولی منظر طبیعت تپه های دره گوهر رود و از بین رفتن ناگهانی این آثار و ابنیه کمک بزرگی بنگهداری آنها و فراموش شدن این تمدن از خاطره ها کرده است.

حفاری در این تپه ضروری بنظر میرسید بنابراین پس از مدت دو هفته تشریفات قانونی انجام گرفت و حفاری شروع شد در ابتدای کار برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد وضع و چگونگی آثار باستانی دو ترانشه آزمایشی یکی در دامنه شمالی و دیگری در دامنه شرقی حفر گردید .

ترانشه شمالی پس از يك روز کار بقسمت ساختمانی که از سنگ شکسته و ملاط گل ساخته شده بود رسید. برای روشن شدن قطر این قسمت ساختمانی ترانشه ادامه داده شد ولی متأسفانه طرف دیگر این دیوار سنگی ظاهر نگردید و بنظر رسید که این دیوار فقط در یکطرف نمای مرتب ساخته شده داشته است و پشت آن بسنگهای طبیعی تپه تکیه داد، شده است در ادامه این ترانشه در مدت سه روز آثار دیگری بجز چند

تکه سفال ویک جام شکسته کوچک ساده و بینقش مفرغی چیزی بدست نیامد و در این وقت ترانشه در دامنه تپه بسنگک طبیعی کف تپه رسید که ادامه با این وضع بی نتیجه بنظر میرسد، ترانشه دوم یعنی ترانشه شرقی که حفر آن بمنظور روشن شدن رابطه‌ای بود که احتمالاً این تپه در زمان آبادی باتپه مجاور خود یعنی تپه زینب بیجار داشته و در آن قسمت بنظر میرسد آثار ساختمانی وجود داشته باشد حفر گردید.

متأسفانه در دوروز اول حفر این ترانشه فقط با سنگهای طبیعی برخورد نموده و امید یافتن هر گونه آثاری در این دامنه مبدل بی‌اس میگردد. در این وقت در منتهی‌الیه این ترانشه در قسمت بالای تپه زاویه اطاقی که از سنگک و ملاط ساخته شده بود ظاهر گردید. جهت این ساختمان با آنچه در ترانشه شمالی بدست آمده بود وجود ساختمان‌های نامرتبی را در تپه مسلم و آشکار مینمود. پس از یکی دو روز حفاری آثار ساختمانی چهار دیواری که در قسمتهائی از آن تخته‌سنگهای بزرگ طبیعی در فواصل دیوارها وجود داشت ظاهر گردید.

اینجا آرامگاه یا معبد آرامگاه بود که در حدود پنج متر در شش متر مساحت داشت. در یکطرف این اطاق آرامگاه بفاصله نیم متر از دیوار شرقی اطاق سکونی به ارتفاع هفتاد سانتی‌متر و طول دو متر و عرض یکمتر ساخته شده بود که تصور می‌رود قربانگاه یا مرکز هدایا بوده است در نزدیکی وسط اطاق بر روی زمین ظرفی از نقره بالوله بلند طلا و نقوش افسانه‌ای از طلا که دور بدنه و شانه آن کار گذارده شده بود کشف گردید. در گوشه شمالی این اطاق اجاقی قرار داشت که در جوار تخته سنگک طبیعی عظیمی ساخته شده بود و سطح این تخته سنگک کاملاً از دود سیاه شده بود در کنار این اجاق یک تیر مفرغی دوسره و در گوشه جنوبی اطاق در کنار سکوی هدایا سرپیکانهای مفرغی زیادی روی زمین قرار داشت. در ادامه پی‌گردی ساختمان این اطاق بخوبی آشکار گردید که نقشه مرتبی برای آثار ساختمانی این تپه وجود نداشته و دیوارهای نامنظمی که بسیار خشن و بدون ترتیب ساخته شده است فواصل خالی تخته سنگهای طبیعی سطح تپه را پر نموده است.

از آثار مدفون در این دیوارهای نامرتب و شاهکارهای هنری مکشوفه بنظر میرسد که این تپه محل آرامگاه خصوصی سلاطین و شاهزادگان این سلسله بوده است. در این هنگام برای تعیین و آشنائی به عمق لایه‌های باستانی تپه در کف گمانه آزمایشی در ترانشه شمالی گودال بطول یکمتر و نیم و عرض یک متر در خاک بنفش ارغوانی رنگی که حاکی از خاک بکر تپه بود حفر گردید. بزودی یعنی در عمق چهل سانتیمتری

سنگهای طبیعی سولفات آهن که سطح اصلی و طبیعی تپه را تشکیل میداد نمودار گردید و این گود تا عمق یکمتر ونیم ادامه داده شد و مسلم گردید که فقط يك لایه باستانی که آثار صاحبان این آرامگاهها در بر دارد و متعلق بیک تمدن واحد میباشد وجود دارد بتناسب پستی و بلندی و وضعیت طبیعی تپه و انباشته شدن بقایای ساختمانی آرامگاهها در بعضی نقاط در عمق یکمتر از سطح تپه و در نقاط دیگر تا عمق دو متر و هفتاد سانتیمتر قرار گرفته است و بجز این لایه باستانی لایه‌ها دیگر که معرف اقوام قبلی و بعدی این تمدن و یا تمدنهای دیگری که از این تپه از نظر سکونت یا قبرستان استفاده نموده باشند وجود ندارد.

فقط در بعضی نقاط در قسمت سطحی تپه آثار محدودی از اقوام در انهای تاریخی بر حسب اتفاق و یا منظم در سطح تپه باقی مانده است این وضع بخوبی آشکار مینمود که اولین تمدنی که از این تپه بعنوان آرامگاه استفاده نموده همین تمدنی است که آثار آن مربوط باواخر هزاره دوم و اوائل هزاره اول قبل از میلاد بوده و پس از این اقوام که شاید در حدود چند قرن در این منطقه ساکن بوده‌اند تپه مارلیک متروک مانده است.

پس از انجام برشهای آزمایشی بمنظور آشنائی با وضعیت تپه برای حفاری اساسی و علمی از کلیه تپه نقشه برداری گردید و وضعیت تپه از نظر ارتفاعات و ابعاد مشخص گردید.

تپه مارلیک یا چراغعلی تپه تا محل جوی آبی که برای مشروب ساختن باغهای زیتون تپه را دور میزند در حدود ۱۳۵ متر طول و ۸۰ متر عرض دارد. این تپه دارای دو قله سنگی طبیعی است که یکی در جنوب و دیگری در جنوب غربی تپه قرار گرفته است ارتفاع مرتفع ترین قله تا سطح جوی آب در حدود ۱۱ متر و ارتفاع قله پست تر تا این نهر آب در حدود هشت متر میباشد.

برای انجام حفاری این تپه بقسمتهای شطرنجی ۵ × ۵ متر تقسیم شد و خاکبرداری مطابق نقشه و اصول فنی در این قسمتهای شطرنجی شروع گردید.

تا کنون تقریباً سه چهارم تپه حفاری گردیده و در حدود ۲۵ آرامگاه با اطاق آرامگاه خاک برداری شده و فقط در چند تپه این آرامگاهها آثار استخوان انسان بدست آمده است در یکی از آرامگاهها آثار يك جمجمه شکسته و پوسیده و در دیگری تیکه استخوانهای نامنظم بدست آمده است بقبه آرامگاهها با وجودیکه آثار تزئینی و مذهبی زیادی در بر دارند ولی در آنها هیچوجه بقایای استخوان انسان بدست نیامده

است اخیراً نیز دو آرامگاه شرقی تپه خاک برداری گردید و در آنها آثار اسکلت پوسیده بر روی تخته سنگهایی مشاهده شد .

آرامگاههای خاک برداری شده در این تپه از چهار نوع مختلف تشکیل شده اند یکی از این انواع آرامگاههاییست که بشکل نامنظمی بنا شده و در بین تخته سنگهای بزرگ طبیعی دیوارهایی از سنگ شکسته و ملاط گل ساخته شده است این آرامگاهها در حدود پنج متر طول و سه متر عرض دارند و آثار و اشیاء زیادی در آنجا همراه مرده مدفون شده است .

بنظر میرسد این آرامگاهها پیادشاهان و سرداران بزرگ این اقوام تعلق داشته است . در این نوع آرامگاهها انواع و اقسام ظروف مفرغی و سفالین و کلهای نرئینی انواع سرگز، پیکان، شمشیر و خنجر و مجسمه های سفالین و برنزی دیده میشود . در یکی از این نوع آرامگاهها که متعلق بیکی از سرداران این قوم بوده است سیزده نوع مختلف سرگزه های مفرغی و در حدود یک هزار عدد پیکانهای مفرغی با انواع مختلف برای شکار پرندگان و درندگان و چرندگان مختلف الجثه و همچنین ادوات رزم مانند دو کلاهخود مفرغی که بر روی هر دو آنها اثر سرگز دیده میشود و کاملاً آشکار میسازد که این کلاهخودها مورد استفاده قرار گرفته اند و مجسمه های زیبا از حیوانات وحش مختلف که علاقه مندی صاحب آرامگاه را بشکار این حیوانات ثابت مینمایند . شمشیرهای وزین و بلند ، سرنیزه های مختلف الشكل ، میچ بند رزمی مفرغی ، تیردان مفرغی کشف گردید .

وجود این اشیاء در آرامگاه نشان میدهد که این اقوام در مراسم بخاک سپردن کلیه اشیاء نفیس و افتخارات جنگی و تاریخی هر شخص را با خود اودفن مینموده اند در یکی دیگر از همین نوع آرامگاهها که در حدود 4×4 متر وسعت داشت و قسمتی از آرامگاه با سنگ و قسمت دیگر از لایه سنگهای زرد ساخته شده بود . جسد صاحب آرامگاه بوضع کاملاً تازه ای دفن شده بود و این وضعیت بسیار نادر است و تاکنون در حفریات باستان شناسی سابقه نداشته است آثار دفن شده و طرز تدفین و وضع آرامگاه همگی حاکی است که این قوم دارای تمدن مشخص و متمایزی بوده و وحدت و تمدن کامل داشته اند که با اقوام دیگر اوائل هزاره اول قبل از میلاد تا اندازه ای تفاوت دارد .

اضلاع این آرامگاهها بشکل منحنی ساخته شده است مصالح ساختمانی که در این آرامگاهها بکار رفته عبارتست از تخته سنگهای نازک که با ملاط گل تا اندازه ای مرتب چیده شده است این تخته سنگها برنگ قهوه ای بازریز در رنگ بوده و از سرچشمه گوهر رود که تا محل آرامگاه در حدود چهار ساعت پیاده راه میباشد تپه حمل شده

است. نوع این سنگها سنگ ورق بوده و بهمین نحو از معدن استخراج شده اند. ساکنین باستانی دره گوهر رود بنظر میرسند که برای این نوع سنگها اهمیت مذهبی یا ساختمانی قائل بوده اند و برای ساختمان آرامگاههای خود سعی نموده اند از این نوع سنگها استفاده نمایند. در این نوع دوم آرامگاهها سطح دیوارهای آرامگاه با گلی قرمز رنگ اندود شده است این قشر اندود شده در قسمتهائی از دیوار آرامگاهها هم هنوز باقی مانده و مشاهده میشود در این نوع آرامگاهها آثار و ادوات تزئینی مانند ظرف مجسمه های گلی و برنزی انسان و حیوانات و ادوات بازی کشف گردیده است از نظر نسبت تعداد آلات تزئینی و بازی به آثار مکشوفه دیگر بنظر میرسد که این قبیل آرامگاهها بملکه ها و شاهزادگان تعلق داشته است. بخصوص در یکی از این آرامگاهها که در حدود $1/5 \times 1/5$ متر مساحت داشت و بسیار مرتب ساخته شده بود در کف زمین دو تخته سنگ ورق بزرگ زرد رنگ قرار داشت که طول هر یک از آنها بیک متر میرسید. در تمام سطح کف آرامگاه در زیر لایه سنگها و روی انواع آلات و ادوات تزئینی مانند گردن بند و دستبند و گوشواره و انگشتر و مجسمه های سفالی و برنزی انسان و حیوانات و مهره های بازی ظروف زرین و سفالین قرار داده شده بود.

بنظر میرسد که این آرامگاه بشاهزاده جوانی که هنگام اقتدار و فرمانفرمائی پدرش فوت نموده تعلق داشته است چه انواع و اقسام وسائل تزئینی و بازی نفیس در آرامگاه نهاده شده بود از جمله مجسمه های زیبا و متناسبی که از این آرامگاه بدست آمد و از سفال و برنز ساخته شده بود مجسمه برنزی دو انسان، مجسمه نیم طلای شخصی با تاج و گوشواره، مجسمه های سفالی گرد و نه سواری که شمشیری بکمر بسته است، مجسمه مرد وزنی که هر یک ظرفی را بالوله بلند در جلوی سینه گرفته و شاید برای مراسم تدفین و آب مقدس بوده و مجسمه سفالی کوزنی که با حالتی کاملاً طبیعی و زیبا ساخته شده است می باشد.

نوع سوم عبارت از آرامگاههائی است که در حدود 3×3 متر وسعت داشته و بشکل چهار گوش تقریباً هندسی ساخته شده اند. ساختمان این آرامگاهها مرتب تر بوده و از قطعات سنگ شکسته بزرگ و ملاط کل ساخته است این آرامگاهها دو متر عمق داشته و بجز قسمتهائی که بنظر میرسد در اثر زلزله و یا تکان شدیدی در زمین از محل خود جا بجا شده اند تا اندازه ای سالمتر از آرامگاههای نوعهای دیگر باقی مانده اند و علیرغم طرز ساختمان مرتب این آرامگاهها در داخل آنها اشیاء و آثار زیادی وجود نداشت و آثار بدست آمده در آنها محدود بیک عدد پیشانی بند طلا و یک جفت گوشواره و یکی دو گردن بند عمیق و چند تیغه مفرغی بود. شاید این نوع آرامگاهها

مربوط بسرداران و پیشقدمان اولیه این تمدن در این ناحیه بوده تمرکز ثروت و تکامل هنر این اقوام که بعلمت مدتها سکونتشان در آن ناحیه در آرامگاههای دیگر نمایش داده شده هنوز بمنصبه ظهور نرسیده بوده است .

چهارمین نوع که سه عدد از آنها تاکنون خاکبرداری شده است آرامگاههایی هستند که در حدود ۱×۲ متر وسعت داشته و از قلوه سنگهای بزرگ و ملاط گل ساخته شده اند . اشیاء درون این آرامگاهها منحصر بیک ردیف دندان اسب و دهنه مفرغی و چند حلقه مفرغی میباشد .

این نوع آرامگاهها اهمیتی را که این اقوام برای اسب و پرورش آن و سوارکاری قائل بوده اند آشکار میگردد همچنین شاید وجود این حیوان را برای زندگانی جهان دیگر لازم میدانسته اند و عقیده داشته اند که در آن جهان نیز بصاحب خود خدمت خواهد نمود . هنوز هم ساکنین این دره این عادت باستانی را نگاهداری نموده و در مزارع برنج و کندم اسبهای زیادی دیده میشود و پرورش و نگاهداری اسب در این دره هنوز رایج است .

بنظر میرسد آثار مکشوفه در این لایه باستانی که شرح انواع آرامگاههای آن در بالا گذشت متعلق بتمدنی است که علاوه بر آنکه در این ناحیه بومی و محلی بوده و مشخصات یک تمدن واحد را در بردارد از تمدنهای همجوار خود نیز بیخبر نبوده و آثارش با تمدنهای کشورهای همجوار خاورمیانه در بعضی موارد قابل مقایسه است بهر حال اشکال ظروف سفالی با نقوش برجسته و کنده تزئینی بر روی ظروف طلا و نقره تزئینات ظروف برنزی و سفالی همگی معرف یک تمدن بومی و اصیل ایرانی این ناحیه میباشد .

هنر این تمدن در این ناحیه سیر تکامل خود را پیموده و هنرمندان از طبیعت همجوار خود و اشکال بدیع گیاهان و پرندگان و حیوانات الهام گرفته و در ظرافت و تناسب و زیبایی هنر آنها بسرحد کمال رسیده و یکی از دورانهای درخشان تاریخ هنر بشری را بوجود آورده اند . ظرفی سفالی برنکی خاکستری مایل بسبز بشکل مرغ ماهی خواری ساخته شده که هنوز هم در این دره زندگانی میکند ، آویزه ها ، مهره ها ، گردن بندهای طلا که تقلیدی از شکل میوه درختهای آثار جنگلی است و هنوز هم بیشتر سطح این دره را پوشانیده و زنگوله های برنزی که بشکل آثار ساخته شده و نقوش زیبایی که بر روی جامهای طلا است از یکنوع درخت سروی که هنوز هم بخصوص در این ناحیه میروید و بنام زرین خوانده میشود گرفته شده گلدان سه شاخه ای که در نهایت تناسب ساخته شده و تقلیدی از لاله های سه شاخه وحشی است که هنوز هم در ماه اسفند در این منطقه

(بهخصوص دامنه شمالی چراغعلی تپه) بوفور میروید همگی بخوبی تمرکز و وحدت بومیت و اصالت این هنر را در این منطقه ثابت مینمایند .

بعضی از ظروف و آثار مکشوفه در این حفاری مانند ملاقه‌های برنزی ظروف شیر دوش سفالی دوک پشم‌ریسی ظروف غذاخوری چنگک نان‌گیری از تنور ، تبر و چکش برنزی ، مدل گاو آهن ، تیغ سلمانی و منقاش هنوز هم در زندگانی ساکنین این منطقه بهمان شکل سه هزار سال پیش استعمال میشود و خود دلیل دیگری بر بومیت این تمدن و هنر آن میباشد .

بهر حال آثار بدست آمده در تپه مارلیک که قبرستان و آرامگاه سلاطین و بزرگان این دوره بوده است همانطور که قبلا نیز تذکر داده شد همگی در یک طبقه باستانی قرار گرفته (بجز آثار جمع‌آوری از سطح تپه تا عمق سی سانتیمتر) و همگی کلیه ادوات و آثار مربوط ببقایای دوره تمدنی را آشکار میسازد . بدست آمدن آثار باستانی در یک طبقه باستانی از نظر باستانشناسی و از نظر شناسائی یک تمدن واحد بینهایت مفید و مؤثر میباشد ولی از نظر تاریخ‌گذاری چون طبقات عمیقتر و مرتفع‌تری وجود ندارد تعیین تاریخ و قدمت اقوام را مشکل میگرداند . بنابراین اصل تعیین تاریخ این اقوام تا کنون بر مبنای آثار آنها با آثار ساکنین باستانی نواحی دیگر ایران و آثار اقوام مجاور دیگر مانند آشوری‌ها ، سیتها ، اورارتوها و اقوام متعدد دیگر میباشد . کلیه این اقوام در اوایل هزاره اول قبل از میلاد برای تسلط و دست‌یابی بنقاط خاور نزدیک بیشتر اوقات بایکدیگر بزد و خورد مشغول بوده‌اند از نظر خط تا کنون فقط چند حرف از خط میخی آنها بر روی دو مهر استوانه شکسته بدست آمده که بعلمت پوسیدگی مهرها و رنگ خاک که بر روی آنها قرار دارد هنوز کاملاً روشن نگردیده است بهر حال بنظر میرسد که در این تپه که قبرستان این اقوام بوده است باید انتظار کشف خطوط و بالوچه‌هایی را داشت ولی امیدواریم در تپه‌های دیگری که در فاصله نزدیکی از تپه مارلیک قرار گرفته و محل سکونت این اقوام بوده است در صورتیکه بوسیله آشوریه‌ها قبلاً غارت نشده و مورد حریق واقع نشده باشد آثار بیشتری از خط آنها بدست آید .